مسئوولیت متن و شکل بدوش نویسندۀ مضمون میباشد، عقیدۀ نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد

ف. هیرمند ۲۰۲۴/۰۶/۰۳

نظر، نقد، اعتراض و بحث صلاحیت

زود واضح بسازم که این نوشته کدام نقد، اعلام خرده گیری بر کدام عزیزی و مدعی ارائه و پیشکش کردن کدام اصل و یا اصول نقد نگاری از آدرس یک ادیب – که تخصصش ادبیات و زبان باشد – نیست، شاید حاوی نکاتی باشد که صرف برای شناسایی برخی از نوشته ها، یادداشت ها، کار های تحقیقی، نقد ها و...به درد بخورد. این نوشته بنابر ضرورتی که این حقیر حس کرده، خامه گردیده است و نیت پر مدعایی هم ندارد.
ساحه ای که این نوشته بیشتر به آن توجه خواهد کرد، نظرات، انتقادات و اعتراضاتی است که در دنیای لاقید شبکه های اجتماعی، به نشر گذاشته می شوند، زیرا در دنیای مجازی افراد و شخصیت های متفاوتی وجود دارند که انسان های جدی و مسئول نیز در میان شان اند. این ماحول" لاقید" بدان معنی هم نیست که اصول مربوط به حوزۀ زندگی واقعی، دگر در آن به خاک سپرده شده باشد... ، در دنیای مجازی هم حسابگیری و حسابدهی به نوعی خودش رعایت می شود، که باید توسعه اش داد ولو که بعضاً با پایان نه چندان دلخواه هم بیانجامد.
در رسانه ها بعضاً با یادداشت ها و نوشته های متفاوت و متنوعی بر می خوریم که برخی از آنها "نظر" پذیرفته می شوند، بعضی شان "نقد" وهم تعداد چندی از آنها "اعتراض" گونه به نظر میخورند، مطلب را با معرفی "نظر" آغازمیکنیم:
نظر : به استناد میثاق های حقوق بشری، حق ابراز عقیده و نظر از حقوق بنیادی هر فرد انسان است که در بارۀ هر موضوعی نظر، درک و عقیدۀ خود را بدون کدام هراس و نگرانی ابراز و بیان نماید، استثناأتی که در مادۀ 19 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی(1966 اسامبلۀ عمومی ملل متحد) در برابر تعمیل این حق وجود دارد: « الف. احترام به حقوق و حیثیت دیگران. ب. حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی.»
از این متن موارد "حفظ حریم خصوصی، رعایت اخلاق عامه، حفظ اسراری که علل امنیتی دارد و...." را استخراج کرده اند.
ولی از سوی دیگر آنچه در ابراز نظر برای مخاطبان قابل تأمل و حساب است، اینکه ابراز نظر کننده از چه آدرسی نظرش را اعلام کرده است؛ اگر این نظر و ایده از آدرس یک فردی ابراز شده باشد که موضوع و یا تِم نظراو شامل حوزۀ تخصصش نباشد، در بیان موصوف صرف همین حق آزادی بیانش رعایت می شود، ولو شخص در ابراز نظرش حق به جانب هم نباشد، حق ابراز نظرش محفوظ خواهد بود. به این صورت هر کس و هر فرد حق دارد هر چه دل تنگش می خواهد، ابراز بدارد، اما ... اما شخص ابراز کنندۀ نظر باید مسئولیت و عواقب ابراز نظر و واکنش های که ایجاد میکند را بر عهده بگیرد.
ابراز نظر در بارۀ موضوعاتی که ماهیتاً محتوای تخصصی دارند، برای افراد عادی ممکن است، انعکاس - پاسخگویی و یا دفاع از نظرش - را به دنبال نداشته باشد، ولو آن نظر کاملاً به دور از اساسات و قواعد موضوع تخصصی مطرح شده باشد، اما .... اما بازهم موارد استثنایی در این گونه نظرات وجود خواهد داشت؛ اگر این ابراز نظر نگرانی قسمی و یا کلی را – بر اساس فقرات الف و ب مادۀ 19 میثاق نامبرده - ایجاد نماید، ممکن است مراجع رسمی و یا متخصصان مربوط آن عرصه آن نظر را تعدیل تکذیب و یا حتی حذف کنند.
در حقوق نظر چنین تعریف شده است ؛ " رأی را نظر گویند...آنچه که بدیهی نباشد ... و نیز در قانون صراحتی در بارۀ آن تذکر نیامده باشد..."
اما اگر موضوع ابراز نظر شامل حوزۀ تخصصی صاحب نظر باشد، در این صورت واکنش ها متفاوت خواهد بود، یعنی مخاطبان توقع یک نقطۀ نظر حرفه یی ناظر به موضوع را ازصاحب نظر انتظار خواهند داشت و صاحب نظر، مسئول دفاع از نظرش خواهد بود.
در استثنی اگر صاحب نظر، در موضوعی که ابراز نظر کرده، حرفه یی نبوده ولی نظرش حاکی از آن باشد که موصوف تحقیقات و پژوهش های در زمینه داشته است بازهم مخاطبان او را مسئول اثبات صحت نظرش خواهند دانست.
در بارۀ ذیصلاح بودن و یا عکس آن در رویداد های فوق بعداً تذکراتی به عمل می آید.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

و اما "نقد" : نقد میزان کردن و تثبیت حالت صحیح و ناصحیح یک اثر است با مقیاس ها و معیار ها یا ضوابط حوزۀ مربوط که اثر زیر نقد در آن حوزه شامل می باشد.
در دکشنری رابرت فرانسوی (le robert) نقد چنین تعریف شده است :« ارزیابی که حامل یک نتیجۀ میزانگونه باشد، حتی اگر این ارزیابی از خود (انتقاد از خود auto critique) به عمل آید. نقد به طور اخص هنر میزان کردن درستی و نادرستی تألیفات – آثار – ذهنی و هنری - است تحلیل آزمایش گونۀ یک اثر یا یک تألیف است، عمل نقد کردن ارزیابیی است که بر یک متن و یا اثر اجرا می شود. نقادان ویا منتقدان، حرفه یی ها و یا متخصصان عرصۀ نقد اند که تصمیم شان ارزش یک اثر و یا تألیف را تعیین میکند، نقد تحلیل انتقادی ارزش یک اثر است که می آزماید صحت آن ادعای را که اثر مطرح کرده است...».
در بارۀ "نقد" و فاعل آن یعنی "منتقد" دریافت های متنوعی وجود دارد، زیرا برای انتقال معنی "نقد نویس" چند اصطلاح رد وبدل می شود؛ مانند منتقد، ناقد، نقاد و نقد نویس. درست است که ترم معمول در این عرصه همان کلمۀ "منتقد" است ولی در عمل این اصطلاح منتقد بیشتر به فرد و یا نگاهی به کار گرفته می شود که با یک متن و یا موضوع و موضع
موافق نیست، یعنی منتقد به یک صورتی به متن زیر نقد، نگاه و نظر مخالف دارد، در این توضیح "منتقد" بیشتر حاوی بار اختلاف با یک متن را منعکس میکند. در حالی که عملیۀ نقد به صورت عمده سره و ناسره کردن محتویات یک متن مبتنی بر ضوابط همان حوزه است و این رویه الزاماً نیت مخالفت و اختلاف را نداشته و بیشتر نگاه و نیت تصحیح متن و موارد نا مرتبط با متن را کنار کشیدن از متن است.
گاهی چنین حس می شود که شاید به علت زیستن در جامعه ای که فقط قادر به تشخیص رنگ های درشت بوده است، دریافت ها به این درک رسیده باشد تا رُخ تیز و درشت هر پدیده ای را مرجح و معتبر بپذیرد، قاطعیت شناخت "منتقد" با بار مخالف آن با یک متن، در فهم انسان از اسم منتقد، این وضعیت قاطعیت گرایی را می شود حس کرد، در حالی که در اسم های "نقاد" و "ناقد" و هم "نقد نویس" نوعی حس عدم قاطعیت محسوس خواهد بود. شاید همین قاطعیت انگاری و مطلق گرایی دیدگاه ها باعث شده باشد که حتی"متون انتقادی ادبی" ما بیش از آنکه با روح عدم قاطعیت "نقد نویس یا ناقد" شباهت برساند، مانند اتهام نامۀ یک څارنوال به نظر میرسد که اتهام به آدرس نگارندۀ بیچارۀ متن حواله شده باشد.
گاهی نقد های آثار هنری با نُرم ها و ضوابطی که از خود اثر استنباط می شود مورد نقد قرار میگیرد؛ اینگونه نقد ها چارچوکات اثر زیر نقد را در نظر گرفته و نُرم های رعایت شده در این چوکات تا حدودی معیار نقد قرار میگیرد، این بدان معنی است که آثار - بالخصوص آثار هنری- در تحول و تکامل اند و نمی شود آنها را با ضوابط نا متحول و به دور از اصل تغییر و تنوع، به بازنگری انتقادی قرارداد، نقد تقریباً در تمام رشته های علوم بخصوص علوم انسانی و اجتماعی مروج است، و نقد ادبی – شامل نثر و نظم – نقد جامعه شناسی، نقد اقتصاد، نقد سیاسی، نقد فلسفی، نقد حقوقی و ...را می توان دید؛ نقد ونقد نگاری نیروی به پیش راندان تمام حوزه های علوم شمرده می شود هر حرکت ناقدانۀ علمی و سنجش شده، یک گام و یا چند گام ارتقایی همان حوزه را فراهم می سازد.
محتوی، شکل، عرصه ها و گونه های نقد در طول زمان خیلی ها تحول و تکامل نموده است و ضابطه های نقد دیروزی را گاهی زیر نام نقد سنتی یاد میکنند. به همین جهت در این نوشتۀ مختصر کوشش شده است از مفاهیم و کلمات خیلی عام استفاده شود، تا مخاطب در یک تعریف مقید و نا متحول گیر نه افتد.
طوری که نوشته اند، نقد می تواند نقد جدی و نقد معیاری باشد. ولی گونه ای از نقد وجود دارد که نقد منفی یاد می شود نقد منفی به مفهوم عام آن – تثبیت کوتاهی ها، رعایت نکردن ضابطه های حوزه و نقض این ضوابط در اثر و تثبیت صحت و ثقم ارزش های مندرج اثر زیر نقد خواهد بود. در بارۀ اصطلاح "نقد منفی" چند مفهوم و یا تعبیر مطرح میگردد، اصطلاح منفی به حیث یک صفت حاوی بار منفی خواهد بود، به این تعبیر نقد منفی حاوی نقائص، کوتاهی ها، کمبودی ها و نارسایی ها – چه در شکل و چه در متن یک اثر را در کیسه خواهد داشت، یعنی نقد جدی و معیاری ماهیتاً نمی تواند، همیشه نگاه خوشبینانه داشته باشد، ولی این نگاه منفی متکی به ضوابط حوزۀ تألیف زیر نقد، مستند و مستدل خواهد بود.
تعبیر دیگر از نقد منفی همانا اتخاذ یک موقف تعرضی و مملو از خشونت و اهانت – حتی به صورت توهین شخصی به مؤلف – متبارز خواهد شد، این تعبیر اخیر بیشتر به اعتراض و مخالفت شخصی با یک مؤلف و تألیفش نمایان خواهد گشت تا به یک نقد معیاری و جدی. و غالباً به دور از ابزار های اثباتی یک نقد معیاری وغیر مستند.
از نقد مثبت هم نا مبرده می شود که برجسته گی ها، شگفتی ها و برازندگی های یک اثر را بازگو خواهد کرد. در این مورد اصطلاح دیگری هم داریم: "تقریظ" ؛ آن اصطلاحی است که برای تأئید و شادباش یک اثر خامه می شود، فرق آن با "نقد مثبت" این است که منتقد "نقد مثبت" ناگزیر به اثبات موارد مثبت اثر - به استناد ضوابط مربوط - می باشد، در حالی که تقریظ بیشتر افادۀ تحسین و تمجید یک اثر خواهد بود که نویسندۀ تقریظ، نیازی به اثبات ادعای خود نخواهد داشت.
ناقد حرفه یی مقید به آن نیست که صرف نقد منفی و یا صرف نقد مثبت خامه کند، یک نقد ممکن است هم گوشه های تاریک و احیاناً منفی یک اثر را انگشت گذاری کند و همزمان گوشه ها و درخشش های مثبت اثر را به رخ بکشد.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په ځیر و لولئ

به این صورت دست اندرکاران امور نقد و انتقاد، افراد عادی نه خواهند بود، این منتقدان، نخبگان اهل حوزۀ معینی ازعلوم میباشند که در همان حوزه در حد بلندی درایت و اشراف دارند و با شناخت دقیقی که از اصول ، قواعد، ضوابط و نرُم های حوزه و رشتۀ مربوط را فرا گرفته اند، قابلیت و توانایی حلاجی کردن و کالبدشگافی آثار همان حوزه را دارا خواهند بود.
بدون شک آن پژوهشگران که خود با تتبع و تحقیق، خویش را در سطح یک نقاد دارای اشراف بر ضوابط یک حوزه ای از علوم ارتقای حرفه یی داده اند، می توانند با اتکاء به طرح اصول شناخته شدۀ همان رشته، در نقد شان، این درایت را به اثبات برسانند.
در اینجا دو پرسش در برابر ما قرار داده می شود: آیا تهیه و خامه کردن یک نقد مستلزم وجود و حضور یک منتقد متخصص یا منتقد اهل سلک و یا منتقد صاحب صلاحیت تخصصی در حوزۀ نقد پردازی است...؟
و : آیا هر متن نقد گونه را می توان یک نقد حرفه یی شناخت ولو عاری از هر ضابطۀ معمول یک نقد معیاری باشد، یا حتی جهت مشخصی نداشته باشد که انگشت گذاری هایش به آدرس چه متنی است، وعنوانش با محتوای متن رابطۀ موضوعی و منطقی نداشته باشد که به هر دری مشت کوبیده باشد و با هر جناحی در جنگ باشد، دشمن همه و با همه قهر و فقط خودش را در ورای رعایت هر اصل و ضابطه ای صحیح و درست بداند و مثال ها و تذکر شاعران و نویسندگان متعددی، بی رابطۀ روشن و واضح با متن در آن نقدگونه ردیف شده باشد...؟
تعاریف نقد، محتوای یک نقد معیاری و متود کاری ناقد به سوال اول پاسخ مثبت میدهد وهمین مدارک نامبرده به سوال دوم پاسخ منفی و یا "نه" را ارائه میدهد.
متونی را هم به نام "نقد!!" می توان دید که بدون عمق تحلیلی، پر از بغض و واژه های خشونت بار و حاوی الفاظ اهانت بار، کلی بافانه، که از دشنام های که به آدرس جمعی از گروه انسانی حواله شده است لبریز بوده و با کاربرد الفاظ مانند "جامعۀ کثیف" و "روشنفکران بی عرضه " و یا "تبار بی فرهنگ" رنگ آمیزی شده و آراسته می باشد، اما استعمال این دشنام ها یا اهانت های عام بر یک گروه مشخص اجتماعی افادۀ یک واقعیت مسلم را نمی تواند داشته باشد؛ صفت "کثیف"بیشتر برای اشیاء وشاید افراد مورد استعمال باشد، نمی توان مطمئن بود که یک جامعه سرتا پا کثیف و نا پاک باشد و در آن اثری از پاکیزگی را هم نتوان ملاحظه کرد. ممکن نیست تمام روشنفکران یک جامعه "بی عرضه" باشند اگر چنین بود پس کاربرد اسم روشنفکر به چنین گروه "بی عرضه" خود اشتباه و خبط مهمی است. " تبار بی فرهنگ"؛ ما به یک تبار صفتی را می چسپانیم که به طور بنیادی وجود خارجی ندارد، هیچ گروه انسانی فاقد فرهنگ نیست، آری فرهنگ دیروزی، فرهنگ پسمانده، فرهنگ امروزی و فرهنگ پیشرو و... اصطلاحات صحیحی خواهند بود.
برای تکمیل فهم رابطۀ صفت های فوق با یک متن، لازم به تذکر است که؛ ناقد و یا به اصطلاح معمول "منتقد" در یک نقد جدی، از آن تشبهات، استعارات و کنایه های استفاده نمی کند که به مفاهیم اساسی اصطلاحات در یک نقد، شک و تردید و ابهام ایجاد کند.
در این گونه نوشته های نقد نما شیوه ای که غالباً به کار گرفته می شود " letterisme لیتریزم یا "ادبیات زدگی" است؛ در شیوۀ "لیتریزم " انبوه واژه های به ظاهر قشنگ و خوش آهنگ و ناآشنا و غیر معمول در یک متن انباشته میشود ولی پیام و معنی روشن را نمی توان در آن یافت.
نقد های کلی یا کلی بافانه یا نقد شمرده نخواهد شد و یا نقد حرفه یی و معیاری پذیرفته نخواهند گردید. مثل سایر مطالب و نوشته ها، برای یک نقد نیز مأمول و مانوس نه خواهد بود که به اصطلاح چره یی به گروه های اجتماعی دشنام دهد یا الفاظ و واژه های اهانت آمیز به کار ببرد، گرچه که در برخی از نوشته ها تا حال خط فاصل میان اهانت و توهین از یک سو، و نقد و انگشت گذاری از سوی دیگر، به طور دقیق قابل تفکیک و مجزابه چشم نمی خورد.
کاوش در اختراع و دریافت دشنام های ناب، بکر، تازه و جدید و مجهز با مفاهیم مخرش نزد عده ای از ماها، جای استدلال و پژوهش نقادانه را میگیرد و خود ما را هم سیر و اقناع میکند، انگار کار نقد فقط قصد گرفتن و انتقام جویی باشد که چنین نیست. اثر انتقامجویانه فاقد دیدگاه حرفه یی است حتی اگر منتقد حرفه یی هم به انتقامجویی مصاب گردد، کارش از روند اصلی و اصولی برون می لغزد.
نقد به گونۀ مشخص یک متن را مورد انگشت گذاری قرار میدهد، آنرا می کاود و صحت و ناصحت آنرا به استناد ضوابط شناخته شدۀ حوزۀ مربوط معرفی و استخراج میکند.
در یک متن ادبی فرانسوی littérisme لیتریزم چنین به معرفی گرفته شده است :« فنی که در آن واژه ها مواد اولیۀ ایجاد یک متن قرار میگیرد بی رابطه به ضرورت شان و نیز بی توجه به اینکه چقدر حامل مؤثق معانی مورد نظر خواهند بود، این فن را برخی نهضت ادبی یک گروپ افراطی چپ می دانند که با آن واژه ها را به کار می بستند تا ارزش های شاعرانه و منظوم شان را در آن بگنجانند، بدون آنکه به مفاهیم مرتبط آن توجهی داشته باشند.
هنری که در آن کلمات مواد اولیۀ ایجاد یک متن شمرده می شود، بی رابطه به سودمندی، ذکر بیانی و معنایی یک موضوع... »
ادبیات زدگی؛ به این تعریف که فقط به شکل و استتیک یک نوشته توجه می شود و سعی بر آن میگردد تا اثر زیبای خامه گردد، بدون اعتناء به رابطۀ منطقی موضوع و واژه های زیبای رویهم شده... بعضاً چنین حس می شود که

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

فقدان محتوی و یا ضعف محتوی با شکل زیبای ظاهری پنهان گردد و به این مقصد پشتاره ای از کلمات زیبا انباشته می شود.
و حال "اعتراض" ؛ عدم موافقت، رد یک متن، مخالفت با یک طرح، جهت گیری در برابر یک نوشته، می تواند ماهیت اعتراضی به خود بگیرد، گاهی هم اعتراض به شکل یک نقد برون داده شده و متظاهر می شود، زمانی هم یک نظر ماهیت اعتراضی به خود می گیرد. نظرات غیر حرفه یی که ماهیت اعتراضی دارند بیشتر به صورت مخالفت ابراز می شوند. در حالی که اعتراضات حرفه یی به گونهٔ نقد ، مستدل، مستند و حاوی منطق همه پذیر می باشند. به این ترتیب اعتراض می تواند در جامهٔ "نظر" و زمانی هم به صورت" نقد" خود را متبارز بسازد.بعضاً اعتراض به صورت یک نقد ظاهر می شود زمانی هم یک نقد منفی شکل یک اعتراض را به خود می گیرد. نقد های که یک تألیف را کاملاً قابل بطلان و حذف میدانند می تواند یک اعتراض و یا یک نقد مفرط منفی باشند.
اعتراض در حقوق چنین معرفی گردیده است ؛ « حایل شدن، منع کردن، انکار قول و فعل کسی...»
واما توانایی حرفه یی la compétence : بر صفت شایستگی، لیاقت، قابلیت، تبحر و شناخت علمی و مسلکی یک فرد استوار است که در حوزهٔ مربوط بر آن اشراف دارد، در زبان فرانسه بعضاً همین اصطلاح را به جای صلاحیت هم به کار میبرند
صلاحیت رسمی، رتبوی و اداری بر سیستم سلسلهٔ مراتب متکی است که قدمه و رتبهٔ پائین از بالا اطاعت میکند و در علم اداره، صلاحیت بیشتربه صورت "هیرارشی" تمثیل می شود. که بر بنیاد رابطهٔ اطاعت از مقام بالا متکی است ، ولی در امور اداره هم صلاحیت مرتبت بلند، لامحدود نیست بلکه در همان حوزهٔ خودش رعایت می شود، نصب و تقرر رتب گاهی به دلیل سوابق کاری و گاهی با نیات سیاسی و نیز با درنظرداشت قابلیت های کدر مورد توجه صورت میگیرد.
برخی اصطلاح هیرارشی را در مورد ارزشها نیز به کار می برند، تقدم و تأخر در آنها را و شاید اهمیت، پیامد ها و تبعات شان را در امور مثلاً اجتماعی و فرهنگی به ارزیابی میگیرند.
در اینجا قابل توضیح است که با رشد و توسعهٔ تخصصیت یا "پروفشینلیزم" که در تمام ساحات زندگی گسترش یافته است و محصول پیشرفت علمی و تکنولوژیک امروزی در عرصه ها می باشد، این فرصت را فراهم ساخته است که افراد قابل نصب در سلسلهٔ مراتب کار ها بیشتر اهل حرفه – یا متخصص همان رشته - باشند.
نقادی و نقد نگاری یک تخصص است که هر رشته و حوزه، ناقد و یا نقاد حوزهٔ خود را دارد این تخصص نقادی، مستلزم فهم و شناخت کامل و جز به جز همان حوزهٔ مورد نقد میباشد پس ناقدش، نقد خود را هم متکی و مستند به اصول، قواعد و ضوابط همان رشته مطرح میکند، تا صحت و ناصحت متن مورد نقد را بر شمرد واین کار نیاز به "صلاحیت" حرفه یی حوزهٔ مربوط را دارد و نه به حس بغض و اختلاف و تضاد با متن و مالک آن. در زمان و دنیای ما هر کی نقدی را خامه میکند به محتوای نقدش نگاه میکنند و در گام نخست صلاحیت ناقد را عنصر مهم اعتبار نقد او به حساب میگیرند و هم متن نقدش را که با معیار های یک نقد مطابقت دارد و یا چطور..
نتیجهٔ این پژوهش را به طور خلص چنین جمع بندی میکنم، هر "نظری" خود تعیین میکند که در باره اش از نگارندهٔ آن توضیحی خواسته شود و یا نه...
حتی اعتراض و مخالفت با یک متن هم می تواند مورد استجواب قرار گیرد.
نقد نگاری یک تخصص است که خامه کردنش نیاز به صلاحیت و تتبع و پژوهش دارد، هر دشنام نگاری و مجادلهٔ نوشتاری، تعرض رسانه یی، ابراز مخالفت سیاسی، ایدیولوژیک و... نقد شمرده نه خواهد شد، مگر اینکه ناقد اصول و رویه های نقد پرد ازی حوزهٔ مربوط را بشناسد و به آن عمل کرده باشد.

پایان

آر شیف:مطالب نشر شدهٔ آقای ف، هیرمند

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دليکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکي په ځير و لولئ